

جهان بینی اجتماعی و ادبی در ایران قبل از انقلاب

تحلیل و نقد آثار پنج نویسنده ایرانی

- World View in Pre - Revolutionary Iran
- Claus V. Pedersen
- Harrassowitz Verlag, Wiesbaden
- 221 p.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

دکتر کلاس پدرسن از ایرانشناسان جوان دانمارک که همراه دکتر فریدون وهمن پیش از این، فرهنگ فارسی به دانمارکی را تهیه کرده است. در کتاب «جهان بینی اجتماعی و ادبی در ایران قبل از انقلاب» به بررسی جهان بینی و عقاید دوران رژیم گذشته می پردازد. او در مقدمه کتاب می نویسد:

«در نظر ندارم که در این تحقیق به بررسی بستر سیاسی و اجتماعی ایدئولوژی ها بپردازم، بلکه می خواهم جهان بینی و تفکراتی را بررسی کنم که این ایدئولوژی ها از آن نشأت گرفته اند. مراد از جهان بینی، قالب های گسترده درک انسان از خود و جهان اطراف او است؛ یعنی همان چیزی که به عنوان الگوها و ساختارهای عظیم ادراک بشری می شناسیم. آنچه که در کتاب حاضر به آن پرداخته می شود، جهان بینی هایی است که در آثار روشنفکران نخبه ایران در عصر پهلوی مستتر است. آثار این روشنفکران، به منظور تشریح و تبیین تلقی آنها از انسان و شرایط زندگی او بررسی خواهند شد. از آنجا که این متون متعلق به قشر روشنفکران معاصر است و از آثار پیشرو در ادبیات مدرن محسوب می شوند، قطعاً نمی توان آنها را نمایانگر تمام جهان بینی ها و طرز

تفکر حاکم در آن عصر - به خصوص جهان‌بینی عامه مردم - انگاشت. در واقع، ویژگی آوانگارد این آثار، بیانگر تفکر و فاهمه رادیکال این قشر است، که به وضوح با اعتقادات و ایدئولوژی‌های انقلاب اسلامی در تضاد هستند.

فصل‌هایی که در پی می‌آیند، شامل بررسی داستان‌های کوتاه سیدعلی جمالزاده، صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل احمد و هوشنگ گلشیری، یعنی پنج نویسنده مطرح ایرانی است. در فصل آخر نتایج این بررسی‌ها مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. این فصل، در عین حال طی قرائتی کلی به آثار سیدجمال‌الدین اسدآبادی (استرآبادی)، احمد کسروی، سیدحسین نصر و علی شریعتی - چهار متفکر و ایدئولوگ شاخص آن دوره نیز پرداخته خواهد شد.

هدف از بررسی داستان‌های کوتاه منتخب - که دست‌چینی از آثار تالیف شده طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۵ است - تحلیل و بررسی هر چه دقیق‌تر این آثار، به منظور ارائه‌ی تفسیری همه‌جانبه از جهان‌بینی نهفته در آنهاست. در برخی موارد خاص، لزوماً به آثار دیگر این نویسندگان نیز اشاره شده است. رویه فوق را به این منظور در پیش گرفته‌ام، که بررسی داستان‌ها از دیدگاهی وسیع‌تر انجام شده، و برخی از ابعاد ویژه آنها به آسانی میسر شود. تأکید بر این نکته ضروری است که ارزیابی کلی من از آثار این نویسندگان، منحصر به متون اصلی آنها است. بنابراین، مدعی نیستم که تحلیل‌های ارائه شده در این کتاب، تفسیر جامع و همه‌جانبه‌ای از کلیه آثار این نویسندگان باشد. با وجود این، باید اشاره کنم که این تحلیل‌ها، به منظور دستیابی به سطوح ژرف و لایه‌های زیرین داستان‌های کوتاه انجام شده است. در واقع، نتیجه این بررسی‌ها تشریح سطوح اصلی خودآگاهی جمعی در تمام آثار داستان‌نویسان فوق است.^۱

در فصل «داستان از نگاهی نزدیک»، متون غیر ادبی این نویسندگان بررسی خواهد شد. در این بخش، هدف این است تا با قرار دادن داستان‌ها در بستر تاریخی‌شان، تاریخ عقاید آن دوره به نمایش گذاشته شود و جهان‌بینی موجود در این داستان‌ها با تفکر و جهان‌بینی مستتر در آثار چهار متفکر و ایدئولوگ مذکور مقایسه شود. مراد از به کارگیری این روش، بررسی داستان‌های کوتاه از دیدگاهی وسیع‌تر و همه‌جانبه و همچنین تأکید بر اهمیت آنهاست، زیرا داستان‌های کوتاه تنها بخش محدودی از آثار فرهنگی و ادبی ایران معاصر را تشکیل می‌دهند.

بنابراین متن‌هایی که در فصل «داستان از نگاهی نزدیک» تحلیل شده‌اند، عمدتاً متعلق به متفکرین و روشنفکرانی هستند که به واسطه فعالیت‌های سیاسی‌شان شاخص‌اند. و به لحاظ فعالیت‌های سیاسی به مکاتبی تعلق دارند که در فضای اجتماعی / فرهنگی ایران آن روز تاثیر به‌سزایی داشتند، مانند ناسیونالیسم و غیره. در این فصل، ایدئولوژی‌های مذکور - البته به حد اقتضای تبیین جهان‌بینی‌های مورد نظر - بررسی خواهند شد. به علاوه، علی‌رغم اهمیت و



● دکتر کلاس پدرس (عکس از طوبی ساطعی)

جذابیت ابعاد اجتماعی و سیاسی داستان‌ها در تحلیل ادبی، در کتاب حاضر به این جنبه‌ها نپرداخته‌ام.

جان کلام این که، هدف از مقایسه داستان‌های کوتاه با متون غیرادبی، تشریح و شناخت شکل‌های مختلف جهان‌بینی، در فضای ادبی و اجتماعی ایران معاصر بوده است. در این برداشت شناخت شناسانه، سعی شده تا در فصل پایانی، جهان‌بینی انقلاب اسلامی - آن گونه که پنداشته شده - تبیین شود، و تحلیل انجام شده در این مقطع، صرفاً تفسیری «ادبی» و شخصی از تاریخ، جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های ایران معاصر است و ارتباط مستقیمی با فصل‌های قبلی ندارد.

همان گونه که گفته شد، نوع ادبی مورد بررسی در کتاب حاضر، داستان کوتاه است. علت این انتخاب هم واضح و روشن است، چرا که به عقیده من، داستان کوتاه، تنها ژانر ادبیات معاصر ایران است که رشد و شکوفایی قابل توجهی داشته، و در عین حال، اوضاع و احوال آن دوره از تاریخ ایران را نیز انعکاس داده است. به علاوه، ذکر این نکته قابل توجه است که این ژانر، تقریباً هم‌زمان با ادبیات مدرن ایران، یعنی هنگام انتشار اولین مجموعه از داستان‌های جمالزاده به نام «یکی بود، یکی نبود»، شکوفا شد.^۲

تحلیل آثار در این کتاب، براساس نظریه ژانر داستان کوتاه قوام آمده است (منظور همان

حکایت یا داستان کوتاه در ادبیات کلاسیک اروپاست، و نباید با رمان یا رمان کوتاه اشتباه شود). این همان شیوه‌ای است که در دانمارک بسط و گسترش یافت.^۳ این نظریه عمدتاً ساختارگرایانه بوده، و در واقع مکمل مطالعات انجام شده توسط محققین آلمانی است، که پیشینه آن به یوهان ولفگانگ گوته باز می‌گردد.^۴ کوتاه‌ترین تعریفی که از داستان کوتاه ارائه شده - و بسیاری از تعاریف بعدی از آن نشأت گرفته‌اند - جمله‌ای است که گوته در سال ۱۸۲۷ خطاب به اکرمین گفت: «مگر داستان، چیزی به جز حادث شدن یک رخداد غیر منتظره است؟»^۵ در این نقل قول، عبارت «رخداد غیر منتظره» از مهم‌ترین واژگان این جمله هستند. داستان کوتاه، به عنوان یک ساختار روایی، شامل دو محور مهم و حیاتی است. اولین محور، «رخداد غیر منتظره» یا «رخداد مرکزی» است، که در عالم داستان حادث می‌شود، نظم آن را بر هم می‌زند، و اغلب اوقات، زمینه را برای وقوع رخداد‌های دیگر فراهم می‌کند. در بعضی داستان‌ها، «رخداد غیر منتظره» نه در دل یک واقعه مشخص، که در مجموعه‌ای از رخداد‌های فرعی و به ظاهر بی‌اهمیت به ظهور می‌رسد. دومین محور حیاتی یک داستان، اولین گره فکنی یا نقطه اوج داستان است، که تمامی رشته‌های مختلف آن حکایت در آن جا گرد هم می‌آیند. نقطه اوج داستان، نقطه‌ای است که می‌توان بر اساس آن، «رخداد غیر منتظره» را با توجه به قالب کلی متن تعبیر کرد. آگ هنریکسن، از اساتید بزرگ دانشگاه کپنهاگ، در خصوص این دو محور اصلی و رابطه آنها چنین می‌گوید: رخداد غیر منتظره، واقعه نامأنوسی است که در دنیای آرام داستان اتفاق می‌افتد، و بدین ترتیب اولین نقطه تلاقی بین دو محور اصلی داستان را پدید می‌آورد و باعث ایجاد اغتشاش در داستان می‌شود، درست همانطور که تکه چوبی، نظم لانه مورچه را بر هم زند. این رویداد نویسنده را برمی‌انگیزد تا به کمک برقرار ساختن نظم پایا، بر این اغتشاش غلبه کند. او می‌تواند این کار را با بیرون راندن رویداد از صحنه داستان انجام دهد؛ و اینجاست که دومین نقطه تلاقی آشکار می‌شود. این نقطه (نقطه دوم) می‌تواند فرآیند مجدد و شبیه‌سازی شده آن رویداد غیر منتظره باشد. نهایتاً ممکن است این رویداد غالب شده و به کلی نظم آغازین داستان را بر هم زند.^۶

تفسیر داستان‌ها در فصل‌های بعدی، مبتنی بر همین سه جنبه مهم نظریه داستان کوتاه است؛ یعنی «رخداد غیر منتظره»، «اولین گره فکنی یا نقطه اوج» و «کانون روایی نویسنده». در بررسی مجموعه «یکی بود، یکی نبود» جمالزاده، که شامل قصه‌هایی با ویژگی‌های غیر داستانی است، قصه‌ها براساس نظریه داستان کوتاه، تحلیل و بررسی خواهند شد. همچنان که قبلاً نیز گفته شد، هم نظریه ژانر داستان و هم روش تحلیل آنها، رویکردی ساختارگرایانه و به نوعی فرمالیستی دارد. اما از آنجایی که کارکرد این نظریه، براساس «رخداد غیر منتظره» ای شکل می‌گیرد که به

Claus V. Pedersen

World View in Pre-Revolutionary Iran

Literary Analysis of Five Iranian Authors
in the Context of the History of Ideas

2002

Harrassowitz Verlag · Wiesbaden

۳۰۲

صورتی نامانوس و ناگهانی وارد دنیای آرام داستان می‌شود، و در عین حال گاهی تعابیر راوی نیز در سیر داستان دخالت می‌کند، می‌توان از دل نظریه داستان و روش ساختارگرایانه آن، به تعریف جدیدی از داستان کوتاه رسید. تعریفی که به ما می‌گوید داستان کوتاه، قبل از هر چیز درباره رویارویی انسان با ناشناخته‌ها و تعبیر آنهاست. و در داستان‌هایی که کانون روایی آن اول شخص مفرد است، راوی معمولاً به طور مستقیم درگیر ماجرا نیست، و وقایع را خارج از فضای واقعی آنها بیان می‌کند. به عقیده من، دیدگاهی که در سطور بالا مطرح شد، در برگرفته شکل جدید داستان کوتاه در ایران معاصر است، که موفق شده است داستان را از فرم‌های منثور پیشین در تاریخ ادبیات ایران ممتاز کند.^۷

داستان کوتاه غربی برای اولین بار در اوایل قرن بیستم وارد جامعه ادبی ایران شد. چندی پیش از آن نیز، فلسفه و علوم غربی، به طبقات بالای جامعه ایران نفوذ کرده بود. مواجهه ایرانیان با این علوم، و سیر تفکرات جدید را می‌توان همچون «رخداد غیر منتظره» تلقی کرد که وارد دنیای طبقه‌بندی شده، مانوس و مذهب محور فرهنگ ایرانی شد.^۸ از این منظر، نفوذ جهان‌بینی و تفکر غرب همچون یک «رخداد غیر منتظره» بود که بسیاری از اصول فرهنگی ایرانیان را در قرن ۲۰ تحت تأثیر قرار داد. فرهنگ، فلسفه و تفکر غرب از یک سو، با زندگی و فرهنگ مردم ایران عجین شد، اما از دیگر سو، به بیگانه متخاصمی تبدیل شد که تشکل‌های ملی و فردی

عديده‌اي براي مقابله به آن پا گرفت. البته ژانر داستان کوتاه غربي را نيز مي‌توان با تمام ابعاد و مفاهيمش، يكي از عناصر صري دانست كه بر مباني فرهنگ، فلسفه و جامعه ادبي بيشترين تأثير را داشته است.

هدف اين كتاب، بررسي متون ادبي است، و اميد مي‌رود كه شناخت دقيقي از تجربه زيستن و خودآگاهي بشري در فرهنگ معاصر ايران به دست دهد. در اين بررسي سعي شده تا از به كارگيري نظريه‌هاي انتزاعي و كلي درباره فرهنگ، جامعه و اجزاي متشكله آن پرهيز شود. در مورد انتخاب نويسندگان و آثار آنها نيز اين انتقاد وارد است كه آنها فقط طيف محدود و مشخصي از جامعه را در برمي‌گيرند. به عنوان مثال، جمالزاده، بيشتر دوران بزرگسالي خود را خارج از ايران سپري كرد. اما تمام اين نويسندگان به طور مساوي محصول تكوين فرهنگ و جامعه خويش هستند، با توجه به تحصيلات و طرز تفكرشان، و به عنوان قشر روشنفكر بهتر مي‌توانند مفسر وقايع مهم و تفكرات جاري در ايران عصر پهلوي باشند. به هر تقدير، آن چه در پي مي‌آيد، تفسير نگارنده از دنياي نويسندگان مزبور، برداشت آنها از «واقعيت»، و تشریح موقعيتي است كه انسان در اين «واقعيت» بر ذمه دارد.

۱ - بايد اضافه كنم كه من تقريباً تمام آثار نويسندگان مذكور را به زبان فارسي خوانده‌ام، و اگر چه اين مطالعات به سرعت انجام گرفت اما صدمه‌اي به تحليل‌هاي به عمل آمده در فصل‌هاي آتي وارد نكرده است.

۲ - شعر مدرن نيز تقريباً حول و حوش همين سال‌ها با «شعر نو»ي نيمای يوشيج، وارد عرصه ادبي ايران شد ولي تأثير واقعي آن سال‌ها بعد به منصفه ظهور رسيد. ر. ك. ادبيات فارسي، ويراستار: احسان يارشاطر، «پايه‌هاي ميراث فارسي»، ۱۹۸۸، ص. ۳۳۶.

۳ - اولين محققان دانماركي كه به تدوين نظريه داستان (منظور داستان كلاسيك غربي است) پرداختند، سورن باگسن، گيلدن دالس بوگاندل، نورديسك فورلاگ و آگ هنريكسن هستند. بحث در خصوص تفاوت ميان حكايات و داستان کوتاه آنكلوساكسون نيز مقوله‌اي است كه در حوصله اين كتاب نمي‌گنجد ولي در برخي موارد، داستان کوتاه را جايگزين حكايات كرده‌ام.

۴ - ر. ك. جوزف كانز، شماره ۵۵، دارمستاد: ويسن شافتليچ باچگسن شافت، ۱۹۷۹.

۵ - كانز، ص ۲۴.

۶ - آگ هنريكسن، «انجيل يوحنا: يك رمان کوتاه» در عصر گوتيك، كوپنهاگ، گيلدن هال، ۱۹۷۱، خ

۸۱

۷ - براي توضيحات بيشتر به فصل بعد درباره «يك بود، يكي نبود» مراجعه كنيد.

۸ - ر. ك. فصل ۵. در اين فصل، داستاني از زبان يك ايراني بيان مي‌شود كه در دهه‌هاي آخر قرن ۱۹،

براي اولين بار به غرب مي‌رود و با علوم و فلسفه آن ديار آشنا مي‌شود.